

مقدمه

متحدہ تنہا حدود نیمی از صاحبان حق رأی در انتخابات ریاست جمہوری رأی خود را بہ صندوقها می ریزند و تعداد رأی دہندگان در انتخابات ایالتی و محلی حتی کمتر از این است. انتخاباتهای شہروندان بر تعیین متصدیان مناصب عالیہ حکومتی تأثیر دارد. تغییر حمایت شہروندان منجر بہ روی کار آمدن ائتلافهای جدیدی می گردد کہ بہ خط مشیهای تازه ای پای بندند. افزون بر این، میل بہ احراز مناصب، کسب یا حفظ قدرت سیاسی، رہبران را بر آن می دارد تا برای برآوردن انتظارات شہروندان، خط مشیهای خود را تغییر دهند. رأی دادن با تمام سادگی می تواند پیامدهای عمیقی داشته باشد.

در دیگر کشورہای نامبرده شدہ در نمودار، پیامدها تا حدودی متفاوت است. در آفریقای جنوبی تا پیش از برچیدہ شدن نظام جدایی تژادی انتخابات رقابتی (competitive elections) بہ رأی دہندگان سفیدپوست فرصت می داد کہ تا حدودی صاحب منصبان را تعیین کنند و بہ سیاستها شکل بخشند. برعکس، اکثریت چشمگیر سیاهپوستان از روند انتخابات کنار گذاشته شدہ بودند. تعداد کل رأی دہندگان این کشور کہ در نمودار ۱ حدود ۱۰ درصد ذکر شدہ است تنہا میانگین مشارکت سفیدپوستان (حدود ۷۰ درصد) را نشان می دہد و شرکت هیچ سیاهپوستی در آن ثبت نشدہ است. در نیجریہ در اواخر دہہ ۱۹۷۰ و اوایل دہہ ۱۹۸۰ تمامی شہروندان فرصت داشتند تا از طریق شرکت در انتخابات رقابتی، کار گزاران را تعیین کنند و بہ سیاستها شکل بخشند. تا سال ۱۹۸۳ حدودنیمی از شہروندان در انتخابات شرکت کردند ولی انتخابات بہ عنوان ساختار مهمی برای گزینش کار گزاران چندان نیامید. رئیس جمہور جدیدی کہ در سال ۱۹۸۳ برگزیدہ شد تنہا چند ماہی روی کار بود و سپس با یک کودتای نظامی سرنگون شد. ہفت سال بعد مقارن با اوج گیری گسترش دموکراسی در آفریقا، نیجریہ نیز با برگزاری رأی گیری محلی در سال ۱۹۹۰، انتخابات ایالتی در سال ۱۹۹۱ و انتخابات

ساختارهای سیاسی بسترهای سازمان یافته انجام فعالیت های سیاسی توسط افراد هستند. آشکارترین ساختارها، نهاد های سیاسی آشنایی همچون احزاب، قوای مقننه، قوای مجریه و دیوانسالاری ها هستند. از طریق کارویژه گزینش کار گزاران سیاسی (political recruitment) تعیین می شود کہ چه افرادی برای احراز عضویت فعال این ساختارها برگزیدہ می شوند و برای چه مدتی در این جایگاہ باقی می مانند.

انتخابات سیاسی یکی از متداول ترین ساختارهای سیاسی در جهان معاصر است. کشورهایی همچون عربستان کہ انتخاباتی برگزار نمی کنند نمونه های نامعمولی هستند. آشکارترین مؤلفه انتخابات یعنی عمل رأی دادن تک تک شہروندان، یکی از سادہ ترین و فراوان ترین اعمال سیاسی است. ہر شہروند پس از ورود بہ جایگاہ رأی دہی، حمایت خود را از یک نامزد یا حزب سیاسی اعلام می دارد، شمار رأی دہندگان و نتیجہ آراء را بہ سہولت می توان معین کرد. ظاہراً بیشتر انتخابات برای گزینش آن دستہ از رہبران سیاسی صورت می گیرد کہ باید متصدی نقش های سیاستگذاری شوند. اما کارویژہ های انتخابات در نظام های سیاسی مختلف بسیار متنوع است. تنہا معدودی از ساختارها، لزوم اتخاذ رویکرد ساختاری - کار کردی را برای تشریح نظام های سیاسی چنین روشن باز می نمایند.

نمودار ۱ سطوح مشارکت رأی دہندگان را در انتخابات چند کشور از اواخر دہہ ۱۹۷۰ بہ این سو نشان می دہد. همانگونہ کہ پیداست در بیشتر این کشورها و در بیشتر اوقات، از نصف تا نزدیک بہ ہمہ شہروندان عملاً رأی داده اند. در بریتانیا، آلمان و ایالات متحدہ آمریکا مانند بیشتر دموکراسی های جهان، بیشتر شہروندان می توانند در انتخابات شرکت کنند و از میان احزاب سیاسی و نامزدہای مختلف دست بہ گزینش بزنند؛ در دموکراسی های اروپای غربی، دست کم سہ چہارم شہروندان معمولاً رأی می دہند؛ در ایالات

مشارکت و

حضور سیاسی

شہروندان

ترجمہ علی رضا طیب

نوشتہ: G.A. Almond

G.B. Powell

کشوری در سال ۱۹۹۲، آرام آرام به سوی انتخاب يك حکومت غیر نظامی بازگشت. اگر این گذار می توانست بدون مداخله جدید نظامیان ادامه یابد مردم نیجریه بار دیگر از فرصت رأی دادن برخوردار می گردیدند. اما دولت نظامی ابراهیم بابانگیدا فرایند کنترل شده ای را برقرار ساخت که بر اساس آن، سیاستمداران رژیم های غیر نظامی سابق به اتهام فساد فاقد صلاحیت شناخته می شدند و رأی دهندگان تنها حق انتخاب میان دو حزبی را داشتند که بر اساس فرمان خود بابانگیدا تشکیل شده بود. بدبینی نسبت به اثر بخش بودن مشارکت در چنین چارچوبی می تواند تأثیر بدی بر شماره آراء به جا گذارد.

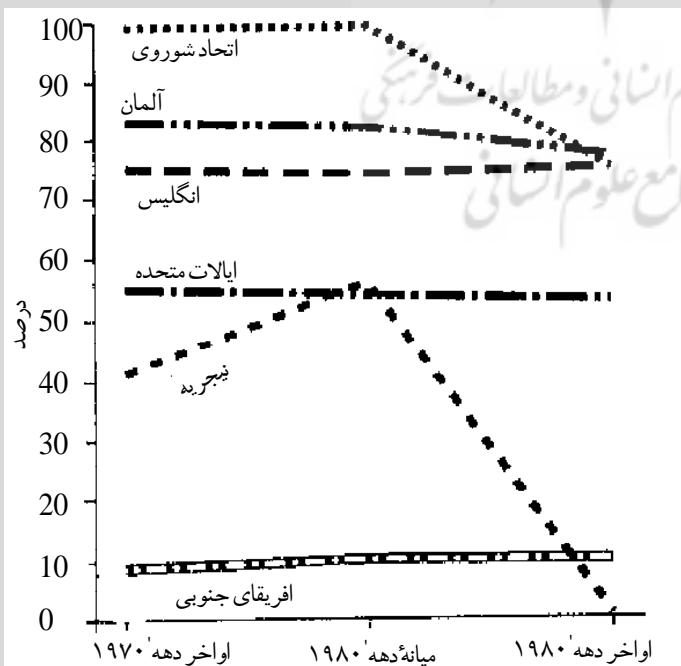
در شوروی سابق تا سال ۱۹۹۰ مردم تنها می توانستند به يك نامزد رأی دهند که همیشه از سوی حزب کمونیست معرفی می شد. سطوح بسیار بالای مشارکت رأی دهندگان، مبین حمایت نمادین مردم از رژیم بود که [در واقع] تحت فشار حکومت ابراز می شد. انتخابات و رأی دادن در آن نظام مانند چین و اروپای شرقی مجرایی برای جامعه پذیری (socialization) بود و تأثیر چندانی بر تعیین کارگزاران نداشت. در مکزیک، اهمیت انتخابات بیشتر از این بوده است. در این

کشور بیش از يك حزب اجازه رقابت دارد و انتخابات در تعیین کارگزاران سطوح محلی حائز اهمیت بوده است. ولی حزب مسلط یعنی حزب شورای انقلابی (Partido Revolucionario) از طریق انواع ابزارها، فرایند انتخابات ملی را در کنترل خود داشت و انتخابات، تأثیر مهمی در تعیین رهبران بلند پایه نداشت. اما رقابت جدی تر شده است و ممکن است انتخابات بعدی مکزیک نقش متفاوتی داشته باشد.

در بیشتر کشورها، سطوح میانگین شرکت رأی دهندگان در طول زمان نسبتاً پایدار است. دو تغییر برجسته ای که در بالا از آنها یاد شد - یعنی تغییرات به وجود آمده در نیجریه و اتحاد شوروی - هر دو مهم ولی در خلاف جهت یکدیگرند. در نیجریه، شرکت یا عدم شرکت رأی دهندگان نمایانگر حذف یا برقراری دوباره انتخابات، بر اساس فرامین نظامی بود. از سوی دیگر، کاهش چشمگیر شرکت رأی دهندگان در اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۰ عملاً نشانه مثبتی دال بر اهمیت انتخابات شوروی از حیث تعیین کارگزاران بود. این تغییر نمایانگر رفع ابراز حمایت اجباری و نمادین از کاندیدای واحد حزب کمونیست بود و با ایجاد فرصت های واقعی

○ گزینش کارگزاران سیاسی نوعی کارویژه سیستمی است که از راه های بسیار بر چند و چون فرایند سیاسی و سیاست های عمومی منتج از آن تأثیر می گذارد.

نمودار ۱: تعداد شرکت کنندگان در انتخابات ملی برخی کشورها - درصد جمعیت ۱۸ سال به بالا.



منابع: برآورد تعداد شرکت کنندگان به وسیله نویسندگان حاضر با استفاده از آمار شرکت رأی دهندگان در مأخذ زیر: Thomas Mackie and Richard Rose, *The International Almanac of Electoral History*, 2nd ed. (New York: Free Press, 1982), *The European Journal of Political Research*, and *Keesing's Contemporary Archives*.
تعداد جمعیت دارای حق رأی از روی مأخذ زیر محاسبه شده است:

United Nations, *Demographic Yearbooks*
برآورد تعداد شرکت کنندگان در انتخابات سال ۱۹۹۰ اتحاد شوروی از روی بررسی آماری که ریموند داچ (Raymond M. Duch) و جیمز گیسون (James L. Gibson) با همکاری مؤسسه جامعه شناسی آکادمی علوم اتحاد شوروی در ماه مه ۱۹۹۰ در بخش اروپایی شوروی انجام داده اند گرفته شده است. برآوردهای مربوط به آلمان تنها در انتخابات سال های ۱۹۷۶ و ۱۹۸۳ مربوط به آلمان غربی و در انتخابات سال ۱۹۹۰ مربوط به آلمان متحد است.

می‌گردد. آیا انتخابات برای تعیین متصدیان مناصب مهم سیاستگذاری برگزار می‌شود؟ سوم، گزینش کارگزاران، نوعی کارویژه سیستمی است که از راه‌های بسیار بر چند و چون فرایند سیاسی و سیاست‌های عمومی منتج از آن تأثیر می‌گذارد. گزینش کارگزاران می‌تواند مستقیماً به روی کار آمدن سیاستگذارانی بینجامد که پای‌بند سیاست‌های متفاوتی باشند. انتخابات رقابتی به شکل غیرمستقیم هم می‌تواند بر سیاست‌ها تأثیر گذارد. این تأثیر غیرمستقیم هنگامی اعمال می‌گردد که نخبگان در جریان سیاستگذاری‌های روزمره خود دغدغه افزایش حمایت رأی‌دهندگان یا پرهیز از کاهش حمایت آنها را داشته باشند.

حضور سیاسی شهروندان

شهروندان از دور راه در فرایند سیاسی مشارکت می‌جویند. فعالیت‌های مشارکت جویانه (Participant activities) آن دسته فعالیت‌هایی است که شهروند معمولی می‌کوشد از راه آنها بر روند سیاستگذاری اعمال نفوذ کند. ممکن است چنین شهروندی برای تشویق

برای گزینش از میان نامزدهای مختلف همراه بود. در سال ۱۹۹۱ روس‌ها برای نخستین بار در انتخابات بالاترین مقام اجرایی در سطح کشور شرکت کردند. بوریس یلتسین بر پایه کسب اکثریت ۶۰ درصد آراء در انتخاباتی که ۷۰ درصد رأی‌دهندگان ثبت‌نام‌شده در آن شرکت جستند. یعنی همان سطح معمول شرکت رأی‌دهندگان در انتخابات کشورهای اروپایی - به ریاست جمهوری روسیه برگزیده شد.

حتی با این بررسی فشرده پیرامون ساختارهای انتخاباتی و شرکت رأی‌دهندگان، سه نکته روشن می‌گردد. نخست، باید با اتخاذ دیدگاهی ساختاری - کارکردی ببینیم انتخابات عملاً چه تأثیری دارد. این نیز خود بستگی به آن دارد که چه کسی برای شرکت در انتخابات اجازه (یا اجبار) دارد و چه نوع رقابتی برای احراز چه مناصبی مجاز شمرده می‌شود. دوم، نظام سیاسی یک سیستم است و پیامدها و کارکردهای ساختارهای انتخاباتی بستگی به دیگر ساختارها و کارکردها نیز دارد. آیا آزادی مبادله اطلاعات و سازماندهی احزاب جدید وجود دارد؟ سیاست‌های عمومی عملاً چگونه تدوین

○ فعالیت‌های مشارکت جویانه آن دسته فعالیت‌هایی است که شهروند معمولی می‌کوشد از راه آنها بر روند سیاستگذاری اعمال نفوذ کند.

جدول ۱: انواع مشارکت شهروندان در سیاست

فعالیت‌های مشارکت جویانه	فعالیت‌های پیرومنشانه
تصریح منافع	ارائه منابع
تماس‌های مبتنی بر نفع شخصی	پرداخت مالیات
فعالیت در گروه‌های غیررسمی	انجام خدمت نظام
فعالیت در گروه‌های رسمی	عضویت در هیئت منصفه
فعالیت‌های اعتراضی	دریافت منابع
تألیف منافع	دریافت مزایای تأمین اجتماعی
رأی دادن در انتخابات رقابتی	دریافت مزایای رفاهی
فعالیت حزبی در انتخابات رقابتی	رفتار قانونمند
سیاستگذاری	اطاعت از قوانین
رأی دادن در همه‌پرسی	فرستادن فرزند خود به مدرسه
عضویت در اجلاس شورای شهر، شورای کارگران	مراعات قوانین ایمنی از سوی تولیدکننده صنعتی
	ارائه و دریافت نمادها
	یادکردن سوگند وفاداری
	گوش سپردن به سخنرانی‌های سیاسی
	رأی دادن در انتخابات غیررقابتی

گذراندن قانون تأمین مسکن نامه‌ای به نماینده مجلس بنویسد، یا به جای کمک به يك نامزد هوادار محیط زیست، برای کمک به نامزدی که هوادار توسعه صنعتی است فعالیت کند. فعالیت‌های پیرومنشانه (subject activities) آن دسته فعالیت‌هایی است که شهروند معمولی در جریان اجرای سیاست‌ها درگیر آنها می‌شود. قوانینی تصویب می‌شود و شهروند مزبور خواه در مقام پرداخت‌کننده مالیات، دریافت‌کننده تسهیلات رفاهی، یا صرفاً رعایت‌کننده قوانین، به آنها پاسخ می‌دهد. جدول ۱ انواع اصلی مشارکت شهروندان در سیاست را همراه با برخی نمونه‌ها برای هر نوع نشان می‌دهد.

شهروندان در مقام مشارکت جو

همانگونه که از جدول ۱ پیداست شهروندان می‌توانند در هر يك از کارویژه‌های دروندادی یعنی تصریح منافع، تألیف منافع و سیاستگذاری مشارکت جویند. در جریان تصریح منافع (interest articulation)، شهروندان درخواست‌ها، تقاضاها و پیشنهادهایی به نفع برخی سیاست‌ها مطرح می‌سازند. برخی از اشکال تصریح منافع تنها در برگیرنده يك شهروند و خانواده اوست، مانند زمانی که يك کارگر از کار افتاده به نماینده خود در مجلس نامه می‌نویسد تا در به تصویب رساندن مزایای کمک کند، یا هنگامی که يك صاحب خانه از رهبر حزب محلی در ناحیه درخواست می‌کند که ترتیبی دهد تا راه ماشین‌رو منزلش به طور منظم برفروبی شود. اینها تماس‌های مبتنی بر نفع شخصی (personal interest contacts) است و در تمامی انواع نظام‌های سیاسی از جمله نظام‌های اقتدارگرا رواج دارد. ممکن است شهروندان در مقام اعضای يك گروه نفوذ نیز در سیاست مشارکت جویند. این گروه‌ها می‌توانند شامل گروه‌هایی رسمی که برای تصریح منافع سازمان یافته‌اند مانند گروه‌های حرفه‌ای چون کانون پزشکان آمریکایی، گروه‌هایی محلی غیررسمی مانند امضاکنندگان درخواستی که تسلیم شورای شهر شده است، یا حتی

گردهم‌آیی خودجوش اهالی خشمگین محله‌های پست باشد که خشم فروخته آنها از فقر و بی‌عدالتی ناگهان در قالب شورشی برای متهم ساختن پلیس به وحشیگری، بروز کرده است. اینگونه فعالیت‌های گروه‌های نفوذ را نیز در نظام‌های اقتدارگرا می‌توان سراغ گرفت البته ممکن است در این موارد نمود آنها تنها به شیوه‌هایی صورت گیرد که متضمن رویارویی آشکار با اولیای امور نیست.

فعالیت برای تألیف منافع (interest aggregation) شامل آن دسته فعالیت‌هایی است که طی آنها شهروند، از يك رهبر یا دار و دسته سیاسی فعلاً نه حمایت سیاسی می‌کند یعنی منابع سیاسی خود را متعهد آنها می‌سازد. رأی دادن و فعالیت‌های مبارزاتی در انتخابات رقابتی، دو گروه اصلی فعالیت برای تألیف منافع هستند. ابداع بزرگ و هوشمندانه دموکراسی انتخابی، چنین فعالیت‌هایی را برای شهروند معمولی میسر ساخته است. ساختارهای دموکراسی با تأمین آزادی تشکیل سازمان و ارتباط‌گیری و تشکیل احزاب سیاسی، و با وابسته ساختن تعیین سیاستگذاران بلندپایه به پیروزی در انتخابات، امکان تأثیرگذاری شهروندان را بر سیاست‌ها فراهم می‌سازد. شهروندان نه تنها با طرح درخواست یا توسل به وجدان رهبران، بلکه از این‌رو که در انتخاب رهبران به حساب می‌آیند بر سیاست‌ها تأثیر می‌گذارند. در مواردی که شهروندان می‌توانند در انتخابات رهبران شرکت جویند، دیگر فعالیت‌های دروندادی مانند طرح تقاضا از سوی گروه‌های نفوذی هم بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

مسئلاً حتی در کشورهای دموکراسی نیز مشارکت مستقیم و عمیق در سیاستگذاری، برای شهروندان دشوار است. ممکن است شهروندان در موارد استثنایی به هنگام برگزاری همه‌پرسی (در باره مسائل اساسی) مستقیماً در سیاستگذاری وارد شوند. اما همه‌پرسی در بیشتر کشورها یا اصلاً برگزار نمی‌شود یا خیلی نادر است. البته در ایالت کالیفرنیا همه‌پرسی کاملاً رواج دارد و از

فعالیت‌های

پیرومنشانه آن دسته فعالیت‌هایی است که شهروند معمولی در جریان اجرای سیاست‌ها درگیر آنها می‌شود.

○ ساختارهای
دموکراسی با تأمین آزادی
تشکیل سازمان و
ارتباط گیری و تشکیل
احزاب سیاسی، و با وابسته
ساختن تعیین
سیاستگذاران بلند پایه به
پیروزی در انتخابات،
امکان تأثیر گذاری
شهروندان را بر سیاستها
فراهم می سازد.

لحاظ تأثیر بر قانونگذاری با مجلس ایالتی
هماوردی می کند. اما به طور کلی چون شهروند
معمولی از راه سیاست، گذران زندگی نمی کند
تنها فرصت محدودی برای شرکت در مسائل
سیاسی در اختیار دارد. ولی در سطح محلی،
مشارکت شهروندان تا حدودی عملی تر است
زیرا در این سطح از موضوعات و رویدادها بهتر
اطلاع دارند. از سوی دیگر، برخی اشکال خاص
خودگردانی محلی مانند اجلاس های شهری
نیوانگلند (New England) یا شوراهای
آپارتمان ها و منازل، شوراهای کارگران و
کانون های همسایگان وجود دارد که در چارچوب
آنها شهروندان بسیاری در سیاستگذاری
مشارکت می کنند. از دیگر سو، در سطح محلی،
یک سلسله نقش های سیاستگذاری وجود دارد
که نیازمند نخبگان پاره وقت است. اعضای
شوراهای شهر در آمریکا مانند دیگر مقامات
محلی در بسیاری از جوامع، به طور تمام وقت
عهده دار وظایف عمومی نیستند. اینگونه مشاغل
در برزخ میان فعالیت های شهروندان و نخبگان
قرار می گیرند.

چه کسانی مشارکت می جویند؟

مشارکت شهروندان از حیث نوع فعالیت و در
انواع نظام های سیاسی بسیار باهم تفاوت دارد.
جدول ۲ برخی انواع مشارکت شهروندان را در
پنج کشور ایالات متحده آمریکا، انگلیس، آلمان،
فرانسه و شوروی سابق نشان می دهد. در صدر
این جدول، متداول ترین و برجسته ترین اشکال
مداخله شهروندان در جریان تصریح منافع به
چشم می خورد: تماس با مقامات رسمی و
شرکت در تظاهرات اعتراض آمیز قانونی.
همانگونه که پیش تر گفتیم، تماس با مقام های
محلی برای جلب کمک آنها در تمامی انواع
کشورها مشاهده می شود. هم در ایالات متحده و
هم در شوروی سابق، نزدیک به یک سوم دارندگان
حق رأی دست کم گهگاه با مقامات محلی تماس
داشته اند. در دموکراسی های آلمان و انگلیس
میزان فعالیت محلی اندکی کمتر است ولی
درصد بیشتری از دارندگان حق رأی با مقام های

منطقه ای و ملی تماس می گیرند.

از سوی دیگر، شرکت در اعتراضات سیاسی
در داخل و در میان کشورها بسته به نوع مسائل،
مهارت سازمان دهندگان، و مقبولیت این نوع اقدام
نزد شهروندان و حکومت ها بسیار تفاوت می کند.
اعتراضات مسالمت جویانه طی ۳۰ سال گذشته
هرچه بیشتر مورد قبول بسیاری از شهروندان
دموکراسی های غربی قرار گرفته است. البته
هنوز شهروندان مسن تر نسبت به اینگونه
اعتراضات بدبین اند. ۱۰ تا ۱۵ درصد از
شهروندان امروزی در ایالات متحده، انگلیس و
آلمان، زمانی در چنین تظاهراتی شرکت
داشته اند. گرچه این اعتراضات هرچه بیشتر به
صورت قالب مرسوم مشارکت در آمده است ولی
هنوز نزد جوانان، تحصیل کردگان و ناراضیان
سیاسی جذابیت بیشتری دارد.^۲ همانگونه که از
جدول ۲ پیداست، فراوانی اینگونه مشارکت های
اعتراضی در فرانسه در مقایسه با سه دموکراسی
دیگر به مراتب بیشتر بوده است. بنابر
گزارش ها، در برخی مراحل، بیش از یک چهارم
مردم فرانسه در این اعتراضات شرکت داشته اند.
این ارقام هم نمایانگر سنت فرانسوی اعتراضات
مردمی است و هم نشان دهنده دشواری هایی که
شهروندان فرانسوی در جمهوری پنجم در زمینه
جلب توجه حکومت های دست راستی و
دست چپی برخوردار از اکثریت دارند. ستون
آخر نشان می دهد که بنابر گزارش ها تنها ۴ درصد
شهروندان شوروی در اعتراضات شرکت
جسته اند. این خود مبین سرکوب شدید اینگونه
فعالیت ها از سوی این دولت تا همین اواخر،
است. با توجه به وضعیت جاری مردم این کشور
از لحاظ وجود نارضایی جدی، تحصیلات
چشمگیر، نبود رقابت منظم احزاب، و
سست تر شدن کنترل های حکومتی، می توان
انتظار داشت که شاهد افزایش چشمگیر اقدامات
اعتراضی در روسیه و دیگر دولت های جانشین
شوروی سابق مانند اوکراین و بلاروس خواهیم
بود.

عضویت و مشارکت شهروندان در گروه ها و
انجمن های رسمی و غیر رسمی را زمانی می توان

شکلی از تصریح غیرمستقیم منافع تلقی کرد که گروه‌های مزبور به نیابت از اعضای خود در مورد سیاست‌های عمومی ابراز نظر کنند. برای نمونه، ممکن است یک شهروند آمریکایی اصولاً به دلیل عشق به طبیعت و فعالیت‌های بیرون از منزل، به باشگاه سی‌یرا (Sierra Club) پیوسته باشد ولی هنگامی که این باشگاه، سیاست خود را در قبال مسائل محیط زیست بیان می‌کند جزو حامیان اینگونه مسائل به شمار آید. ارائه سنجه‌هایی برای مقایسه این نوع مشارکت‌ها در میان کشورها دشوار است ولی بیشتر بررسی‌ها نشان می‌دهد که عضویت فعال آمریکایی‌ها در گروه‌های رسمی و غیررسمی بسیار محتمل است.^۳

جدول ۲ مشارکت مستقیم شهروندان در اشکال مختلف تألیف منافع را نیز نشان می‌دهد. دموکراسی‌ها از آن جهت شایان توجه‌اند که در آنها، انتخابات رقابتی منابع سیاسی مهمی در اختیار تمامی شهروندان قرار می‌دهد. در این قسمت از جدول، نخست میانگین تعداد شهروندان شرکت‌کننده در انتخابات رقابتی ملی را می‌بینیم که در نمودار ۱ نیز برای چند انتخابات مشخص ارقام آن ارائه شده بود. در جمع دموکراسی‌ها، ایالات متحده به واسطه سطوح نسبتاً پایین مشارکت رأی‌دهندگان در انتخابات ملی، شاخص است: تنها حدود یک دوم از دارندگان بالقوه حق رأی، آراء خود را به صندوق‌ها می‌ریزند که کمتر از نسبت سه‌چهارم یا بیشتری است که در دموکراسی‌های معمولی مشاهده می‌شود. اما دو سطر آخر این جدول نشان می‌دهد که این ضعف نسبی شرکت آمریکاییان در انتخابات، نمایانگر بی‌تفاوتی نسبی آنها نیست. آمریکاییان، در مقایسه با انگلیسی‌ها به احتمال به مراتب بیشتری سعی می‌کنند تا دیگران را مجاب سازند که چگونه رأی دهند. همچنین آنان در مقایسه با شهروندان انگلیسی و آلمانی احتمال بیشتری دارد که به نفع یک حزب یا نامزد انتخاباتی فعالیت کنند. بدین ترتیب، هر چند درصد بالایی از شهروندان آمریکایی تا آنجا غیرفعالند که حتی رأی هم نمی‌دهند ولی در میان شهروندان فعال، مشارکت درصد بالاتری از

افراد از حد اقدام به رأی دادن فراتر می‌رود.

روس‌ها در انتخابات سال ۱۹۹۰ شوروی، در نخستین انتخابات ملی نیمه‌رقابتی خودشان شرکت کردند. حتی در این انتخابات هم، رقابت تنها بین نامزدها جریان داشت و زمینه‌ای برای رقابت احزاب متعدد فراهم نشده بود. نخستین تجربه روس‌ها در زمینه انتخابات چند حزبی در سال ۱۹۹۱ تحقق یافت. بنابراین روس‌ها در زمینه وجود فرصت‌های گسترده برای مشارکت شهروندان در فرایند تألیف منافع، تجربه چندانی ندارند. با وجود این، نسبت شرکت‌کنندگان در انتخابات سال ۱۹۹۰ شوروی در حد خوب ۷۶ درصد، و در انتخابات سال ۱۹۹۱ روسیه ۷۰ درصد بود. بنابر گزارش‌ها، در سال ۱۹۹۰ حدود یک سوم رأی‌دهندگان شوروی کوشیدند تا دیگران را مجاب سازند که چگونه رأی دهند و ۹ درصد آنان به تهیه یا توزیع مطالبی به نفع نامزدها کمک کردند.

تناقض‌نمای مشارکت سیاسی آمریکاییان که سطح پایین تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات را توأم با مشارکت نسبتاً عمیق در دیگر اشکال فعالیت سیاسی به همراه دارد، نتیجه کنش متقابل دو عامل مهمی است که به مشارکت سیاسی افراد شکل می‌بخشد: شرایط نهادی، و منابع افراد. مشارکت در رأی‌دهی شدیداً تحت تأثیر لزوم واجد شرایط بودن و قوانین ثبت‌نام در انتخابات، فراگیر بودن سازمان و فعالیت‌های احزاب سیاسی برای بسیج مردم، و تبیین شدید میان انتخاب حزب و نامزدها قرار دارد. محیط انتخاباتی آمریکاییان از هر سه این جهات، شهروندان کمتری را تشویق به ریختن رأی خود به صندوق‌ها می‌کند. شرط ثبت‌نام بدین معنی است که شهروندانی که نشانی خود را تغییر می‌دهند برای آنکه واجد شرایط شناخته شوند باید از نو تلاش کنند. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای اروپایی، افراد خود به خود واجد شرایط شناخته می‌شوند. سازمان‌های حزبی در اروپا بسیار متمرکزترند و در بسیاری از کشورها گسترده‌تر از ایالات متحده هستند. از دیرباز، تفاوت‌های مسلکی میان احزاب در اروپا

○ در دموکراسی‌ها شهروندان نه تنها با طرح درخواست یا توسل به وجدان رهبران، بلکه از این رو که در انتخاب رهبران به حساب می‌آیند بر سیاستها تأثیر می‌گذارند.

○ مشارکت شهروندان
 مبین نحوه بهره‌برداری
 شهروندان واجد ایستارهای
 مشارکتی مختلف از
 فرصتهایی است که نهادها و
 موضوعات در اختیار آنها
 قرار می‌دهند.

برجسته‌تر بوده است و احزاب، اغلب با گروه‌های اقتصادی یا مذهبی پیوندهای نیرومند و تخصصی دارند: هنگام رأی‌دادن، اینگونه عوامل نهادی تأثیر بیشتری دارند تا سطح تحصیلات و علاقه‌مندی عمومی شهروندان که در ایالات متحده بیشتر از بسیاری از کشورهای اروپای غربی است.^۴

در زمینه دیگر اشکال فعالیت، منابع شهروندان از لحاظ تحصیلات و علاقه‌مندی و نیز شبکه گسترده سازمان‌ها معمولاً سبب می‌شود که آمریکاییان در مقایسه با شهروندان بیشتر دموکراسی‌ها مشارکت بیشتری داشته باشند.^۵ از لحاظ فعالیت‌های مبارزاتی، انعطاف‌پذیر بودن سازمان‌های انتخاباتی آمریکا که امروزه بیشتر حول نامزدها و نه احزاب تمرکز یافته‌اند به عموم مردم هم فرصت مشارکت می‌دهد و هم احساس نیاز به این کار را. سطوح نسبتاً پایین فعالیت مبارزاتی در انگلیس (که در جدول ۲ معادل ۸ درصد ذکر شده است در حالی که در ایالات متحده این رقم ۳۰ درصد است) نمایانگر کوتاه بودن مبارزات انتخاباتی تحت استیلاي سازمان‌های حزبی به هم پیوند خورده در سطح کشور و نیز پایین‌تر بودن سطوح تحصیلات و علاقه‌مندی سیاسی عمومی است.

بنابراین، مشارکت شهروندان مبین نحوه بهره‌برداری شهروندان واجد ایستارهای مشارکتی مختلف از فرصتهایی است که نهادها و موضوعات در اختیار آنها قرار می‌دهند. شهروندانی که اطلاعات خوبی دارند، به توانایی خود برای اعمال نفوذ بر دیگران اعتماد دارند، یا مراقب امور سیاسی هستند، یا خود را موظف به مشارکت می‌دانند، از فرصتهایی که برای مشارکت جستن وجود دارد استفاده می‌کنند. مهارت و اعتماد به نفس در انجام فعالیت‌های پیچیده‌ای مانند سازمان دادن گروه‌های جدید یا ایفای نقش رهبری در يك سازمان، بسیار اهمیت دارد. بیشتر پژوهش‌هایی که در میان کشورها صورت گرفته است نشان می‌دهد که شهروندان تحصیل کرده‌تر، ثروتمندتر و بهره‌مند از مهارت‌های حرفه‌ای بیشتر، به طور متوسط

احتمال بیشتری دارد که واجد ایستارهایی مشارکت‌جویانه باشند.^۶ منابع و مهارت‌های شخصی که اینگونه افراد در زندگی خصوصی خود به دست می‌آورند در مواردی که وظیفه یا ضرورت حکم کند می‌تواند آنها را به سهولت به مشارکت سیاسی بکشاند. در نتیجه، این بررسی‌ها نشان می‌دهد که شهروندان مرفه‌تر در جامعه معمولاً در مقایسه با شهروندان کمتر مرفه، در سیاست فعال‌ترند. این گرایش، در زمینه ساده‌ترین فعالیت‌ها مانند شرکت در رأی‌گیری و تماس شخصی کمتر از همه آشکار، و در زمینه تشکیل گروه‌ها بارزتر از همه است.

گرایش به سلطه شهروندان مرفه‌تر در عرصه‌های مشارکت، در جوامعی مانند ایالات متحده که دارای سازمان‌های حزبی ضعیف، گروه‌های ضعیف‌تری برای طبقات کارگر (مانند اتحادیه‌های کارگری)، و فاقد احزابی هستند که مشخصاً به منافع طبقات پایین‌تر متوسل شوند بارزتر است. در کشورهایی که دارای احزاب طبقه کارگر و اتحادیه‌های کارگری قوی‌تر هستند ممکن است نوعی شبکه سازمانی تشکیل گردد که تا حدی بیشتر بودن اطلاعات و آگاهی شهروندان مرفه‌تر را خنثی نماید.

شهروندان در مقام پیرو

یکی از شایع‌ترین نقش‌های تمامی شهروندان، نقش پرداخت‌کننده مالیات است (ر.ک. جدول ۱). این نقش احتمالاً بیش از دیگر نقش‌ها موجب مقاومت شهروندان در برابر تلاش‌هایی شده است که اولیاء امور برای تقویت متابعت مردم انجام می‌دهند. شورش بر ضد مالیات یکی از ویژگی‌های مکرر تاریخ سیاسی بسیاری از کشورها و فرهنگ‌هاست. درخواست پرداخت‌کنندگان مالیات برای آنکه در ازای موافقت با افزایش مالیات‌ها امکان بیشتری برای طرح نظراتشان در فرایند سیاست‌گذاری داشته باشند یکی از مضامین برجسته تاریخ دموکراسی است. جرعه انقلاب آمریکا و انقلاب فرانسه تا حدودی به واسطه تلاش‌هایی زده شد که حکومت‌های این دو کشور برای افزایش

مالیات‌ها صورت دادند. جنبش‌های ضد مالیاتی، وعده‌های ضد مالیاتی در مبارزات انتخاباتی، و حتی احزاب مالیات‌ستیز طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ یکی از ویژگی‌های منظم سیاست در بسیاری از دموکراسی‌ها بود.

حکومت برای انجام طیف وسیع فعالیت‌های خود باید منابعی را از جامعه دریافت کند. جوامع غیر سوسیالیستی نو، از یک چهارم تا یک دوم درآمد ملی خود را از راه اخذ انواع مالیات‌ها و عوارض تأمین می‌کنند. نظام‌های سیاسی کمونیستی در شوروی سابق و اروپای شرقی، از یک دوم تا سه چهارم درآمد ملی خود را از محل مالیات‌ها و سود صنایع ملی شده تأمین می‌کردند. این حکم در مورد چین، کره شمالی، ویتنام و کوبا هنوز هم صادق است. برای وادار ساختن شهروندان به آنکه منابع ضروری را خود در اختیار قرار دهند تمهیدات بسیاری به کار می‌رود. ایالات متحده شدیداً به مالیات مستقیم بر درآمد متکی است. حکومت، بخشی از درآمد افراد و شرکت‌هایی را که دارای درآمدی هستند نزد خود نگه می‌دارد و آنها در مواردی که مدعی پرداخت مالیات اضافی هستند باید برای درخواست بازپرداخت، بیان سالانه درآمدهای خود را ارائه کنند یا در مواردی که کمتر از حد لازم مالیات پرداخته‌اند باید مبالغ بیشتری را در اختیار گذارند. در آمریکا یکی از سازمان‌های دولتی به نام اداره درآمدهای داخلی (Internal Revenue Service) بر پرداخت مالیات از سوی شهروندان نظارت می‌کند. حکومت‌های بسیاری از ایالت‌ها و مناطق نیز بر درآمدها مالیات می‌بندند یا از انواع مالیات‌های غیر مستقیم مانند مالیات بر فروش استفاده می‌کنند. هر چند ضمانت اجرای اصلی متابعت از قوانین مالیاتی، اجبار است و برای فرار از مالیات مجازات‌های سختی در نظر گرفته شده است ولی تأکید هنجاری بر اطاعت از قانون و خوش‌حسابی شهروندان نیز مکمل آن است. در واقع، سطح فرار از مالیات در برخی از کشورهای اروپایی به مراتب بیش از ایالات متحده است. در فرانسه فرار از پرداخت مالیات عملاً یک رسم کهنه و

ریشه‌دار است و همیشه در بودجه دولت، کمبود اساسی درآمدها پیش‌بینی می‌شود.^۷ شهروندان نقش دریافت‌کننده مزایای دولتی را راحت‌تر پذیرا می‌شوند، هر چند در اینجا هم سازمان‌های دولتی باید برای آگاه ساختن شهروندان از وجود این مزایا و نحوه دریافت آنها، به مردم آموزش‌هایی اساسی بدهند. کمک به معلولان، جانبازان جنگ، سالمندان، تهیدستان و گروه‌های ویژه مختلف، اشکال بسیار گوناگونی دارد. الگوهای عمل دیوانسالاری نوعاً شهروندان را موظف می‌سازد تا برای دریافت مزایای مورد بحث - اعم از مزایای رفاهی، مراقبت‌های پزشکی، یا وام برای راه انداختن کسب و کارهای کوچک یا کاستن از مشقات یک فاجعه - ثبت نام یا تقاضانامه ویژه‌ای را پر کنند. در مرحله بعد، سازمان ذیربط باید نظارت کند که این مزایا تنها به دست شهروندان واجد شرایط برسد. جوامع امروزی، تحت پوشش شبکه‌هایی از مقررات نیز قرار دارند. معمولاً پدران و مادران موظفند کودکان خود را در سنین معینی طی دوره‌های خاصی از سال به مدرسه بفرستند. تلفیقی از مشوق‌ها و اجبارها، متابعت اولیا را تضمین می‌کند. از یک سو، تحصیل به عنوان یک مزیت مثبت برای کودکان و خانواده‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد. از دیگر سو، برای عدم متابعت از این مقررات، مجازات‌هایی در نظر گرفته شده است، مگر آنکه نیازهای تحصیلی کودک به ترتیب دیگری برآورده شود. در واقع، همه نقش‌های حرفه‌ای و دیگر نقش‌های عمده اجتماعی و اقتصادی در جوامع امروزی، به نحوی با مقررات حکومتی در ارتباط است. از مقررات ترافیک گرفته تا قوانین ضدانحصار، شهروندان در یک جامعه پیچیده با اقدامات تنظیمی مختلفی روبرو هستند. اما از این نظر هم میان جوامع تفاوت‌هایی وجود دارد. در نظام‌های سیاسی اقتدارگرا مقررات معمولاً شایع‌تر و اغلب مستبدانه‌تر است و تا کنترل مسافرت‌های داخلی، گردهم‌آیی‌های عمومی و سخنرانی‌های همگانی را زیر پوشش می‌گیرد. آخرین شکل نقش آفرینی شهروندان در مقام

○ پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شهروندان تحصیل کرده‌تر، ثروتمندتر و بهره‌مند از مهارت‌های حرفه‌ای بیشتر، بطور متوسط احتمال بیشتری دارد که واجد ایستارهایی مشارکت جویانه باشند.

○ فروپاشی سریع رژیم شوروی و حکومت‌های اروپای شرقی حکایت از آن دارد که چندین دهه مشارکت نمادین نتوانست باور عمیقی به مشروعیت این رژیم‌ها ایجاد کند.

پیرو، یعنی مشارکت نمادین، حائز اهمیت خاصی است. بیشتر نظام‌های سیاسی می‌کوشند تا نمادهای همبستگی، رژیم و اقتدار مقامات را در شهروندان خود جا بیندازند. در بیشتر کشورها کودکان دبستانی باید سوگند وفاداری به میهن را فراگیرند و از بر بخوانند. اینگونه فعالیت‌ها می‌تواند مناقشه‌انگیز باشد مانند مبارزات قانونی پیچیده‌ای که در ایالات متحده بر سر تلاش‌هایی صورت گرفت که شهروندان برای مقاومت مذهبی یا اخلاقی در برابر این شرط، انجام دادند. رسانه‌های جمعی پُر است از تلاش‌هایی که رهبران سیاسی برای تمسک جستن به نمادهای وحدت و تاریخ ملی و تقویت آنها صورت می‌دهند.

نظام‌های اقتدارگرای معاصر به ویژه دولت‌های تک‌حزبی تأکید بیشتری بر مشارکت نمادین شهروندان دارند. این نظام‌ها در تلاش برای شکل دادن به ایستارهای شهروندان از طریق ایفای نقش‌های نمادین، نوعاً تمامی شهروندان را بسیج می‌کنند تا در روز انتخابات، رأی خود را به نفع نامزد حزب واحد به صندوق‌ها بریزند و در رژه‌ها، گروه‌های کار و نظایر آنها شرکت جویند. به همین دلیل، بسیاری از این رژیم‌ها برنامه‌های تفریحی گسترده‌ای را خصوصاً برای درگیرتر ساختن جوانان تمهید کرده‌اند. سازمان‌های رخنه‌گر حزبی و دیوانی در این رژیم‌ها معمولاً در زمینه بسیج شهروندان برای ایفای این نقش‌های نمادین موفق‌ترند. البته تأثیر این تلاش‌ها بر ایستارهای شهروندان ظاهراً کمتر از حد توقع حکام است.^۸ فروپاشی سریع رژیم شوروی و حکومت‌های اروپای شرقی حکایت از آن دارد که چندین دهه مشارکت نمادین نتوانست باور عمیقی به مشروعیت این رژیم‌ها ایجاد کند.

میزان مشارکت؟

یکی از پدیده‌های محوری شورشی‌های فرهنگی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ «انفجار مشارکت» (participation explosion) بود. به‌ویژه در میان دسته‌های بزرگ و نامعمولی از افرادی که طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ پا به

عرصه حیات گذاشتند باور گسترده‌ای به دموکراسی مشارکتی (participant de-mocracy) وجود داشت. هرچند این افراد اکنون بالغ شده و پا به سن گذاشته‌اند ولی تحقیقات اخیر نشان داده است که این «مشارکت‌طلبی» همچنان دوام دارد. این گفته در مورد آن دسته از گروه‌های سنی که اخیراً به دنیا آمده‌اند نیز صادق است.^۹ محرک اصلی این باور آن است که حتی در کشورهای دموکراسی نیز تصمیمات سیاسی را نخبگان یعنی گروه‌های ممتاز اقتصادی و قدرتمندان سیاسی می‌گیرند. راه‌حل این مشکل به ادعای هواداران دموکراسی مشارکتی، آن است که تصمیم‌گیری را تا سطح جوامع محلی و گروه‌های کوچک تنزل دهیم و آن را از نو به دست مردم بسپاریم. در نتیجه، شهروندان قادر خواهند شد تا مسائل را درک کنند و مطابق مصالح خود دست به اقدام سیاسی بزنند.

دیگر نظریه‌پردازان سیاسی بر این باورند که حتی در دموکراسی‌ها هم باید شکافی از لحاظ نفوذ و کار سیاسی وجود داشته باشد و حکمرانی بر کشوری که در آن، بیشتر مردم در بیشتر اوقات خود مشغول فعالیت سیاسی باشند ناممکن خواهد بود.^{۱۰}

پرسش اساسی این است که آیا دموکراسی مستقیم و مشارکتی در کشورهای امروزی که با شرایط و مشکلات این روزگار روبرویند امکان‌پذیر است یا نه. رابرت دال به این پرسش برخورد کرده و تحلیلی ارائه کرده است که ارزش یادآوری دارد.^{۱۱} استدلال وی با این اندیشه آغاز می‌شود که در تصمیم‌گیری‌های نظام‌های سیاسی دموکراتیک باید اولویت‌ها، ارزش‌ها و منافع تمامی اعضای جامعه سیاسی مدنظر قرار گیرد. اگر همه یا بیشتر اعضای جامعه منافع و اولویت‌های یکسانی داشتند مشکلی بروز نمی‌کرد. اما از آنجا که این وحدت‌نظر حاصل نمی‌شود وجود نوعی قاعده تصمیم‌گیری ضروری است. قاعده اکثریت ظاهراً راه‌حلی است که به لحاظ اخلاقی قابل قبول می‌باشد ولی در برخی موارد، حاکمیت اکثریت امکان‌ناپذیر است زیرا ممکن است منافع یک اقلیت چنان واجد اهمیت باشد که اعضای آن،

حکومت اکثریت را برنتابند. زبان، مذهب و حقوق مالکیت نمونه‌هایی از مسائلی است که کاربرد قاعده اکثریت در مورد آنها می‌تواند به جنگ داخلی، ازهم‌پاشیدگی ملی و نابودی دموکراسی منجر شود. در دموکراسی‌ها معمولاً قاعده اکثریت در برخی زمینه‌ها، خواه از طریق پذیرفتن تضمین‌های متقابلی برای حمایت از منافع اقلیتها (مجاز بودن عمل آزادانه به مذهب، حق سخن گفتن و آموزش به زبان‌های اقلیت و غیره) یا از طریق ایجاد عرصه‌های حفاظت‌شده‌ای از تصمیمات مستقلی که مداخله حکومت در آنها ممنوع است (آزادی گفتار، مطبوعات، گردهم‌آیی، عرضحال‌دادن و غیره) محدود گردیده است. ولی این محدودیت‌ها بر قاعده اکثریت، تنها نقطه آغاز منطق معقول دموکراتیک است.^{۱۲}

دال استدلال می‌کند که آرمان دموکراسی مشارکتی باید مشکل تعداد مردم مشارکت‌کننده، تفاوت منافع و اولویت‌ها، و لزوم صلاحیت داشتن را جوابگو باشد. همچنین باید برای جنبه‌های اقتصادی مشارکت - یعنی هزینه فرصتی که افراد باید از لحاظ وقت، انرژی و پول، برای فعالیت داشتن در عرصه سیاست متحمل شوند - پاسخی بیابد. وی نتیجه می‌گیرد هزینه‌هایی که دموکراسی مشارکتی برای فرد در بردارد نقش و تأثیر مشارکت مستقیم را در حکومت دموکراتیک محدود می‌سازد. واگذاری قدرت به نمایندگان منتخب (که مطمئناً به واسطه برگزاری انتخابات باید پاسخگوی مردم باشند) و متخصصان و حرفه‌ای‌های غیرمنتخب تنها راه حل ضروری و مطلوب است.

دال بحث درباره محدودیت‌های دموکراسی مشارکتی را با استعاره جعبه‌های چینی به پایان می‌برد. جعبه‌های چینی نوعی اسباب‌بازی باستانی مرکب از یک جعبه بزرگ است که در داخل آن جعبه‌های کوچکتر و کوچکتری قرار دارد. درست همانطور که مجموعه‌ای از جعبه‌ها با اندازه‌های مختلف داریم، مسائل سیاسی نیز با ابعاد مختلف و در تمام سطوح بروز می‌کند. برای حل قطعی مسائل باید در هر سطح

سازمان‌هایی برای حل مسائل وجود داشته باشد. جعبه بزرگ شبیه سطح بین‌المللی است که هرچه می‌گذرد آشکارتر می‌شود که بقای نژاد بشر در گرو توسعه دستگاه و توانایی حل مشکلات در این سطح است. کوچکترین جعبه نیز شبیه سطح جوامع محلی است که در آن، مشارکت مستقیم افراد در تصمیمات سیاسی محلی مانند دفع فاضلاب، آموزش و پرورش، و نگهداری جاده‌ها، هم ممکن و هم عملی است زیرا افراد بسیاری هم خواهان حل این مسائلند، هم صلاحیت قضاوت در مورد تأثیر راه‌حل‌های مختلف را دارند و هم حاضرند هزینه‌های مشارکت خویش را گردن بگیرند. هرچه از کوچکترین جعبه به سمت بزرگترین جعبه حرکت می‌کنیم صلاحیت تخصصی، اهمیت بیشتری می‌یابد و هزینه‌های مشارکت نیز سنگین‌تر می‌شود و همین، ضرورت اتکا به نمایندگان انتخابی و متخصصان انتصابی را پیش می‌آورد.

اما هیچیک از اینها دلیلی بر تحقق کامل آرمان مشارکت در کشورهایی که امروزه (به درستی) دموکراسی خوانده می‌شوند نیست. تجربیات اخیر در زمینه مشارکت جوامع محلی و مشارکت کارگران و نمایندگان آنها در تصمیم‌گیری‌های بنگاه‌های اقتصادی حکایت از آن دارد که هنوز برای خلاقیت‌های دموکراتیک جای بسیار هست. همچنین اخیراً بسیج و سیاسی‌شدن اعضای گروه‌های اقلیت محروم، زنان و جوانان در دموکراسی‌های صنعتی نشان می‌دهد که هنوز دژهای فتح‌نشده‌ای از امتیازات و نابرابری وجود دارد.

یادداشتها

1. *New York Times*, June 14, 1991.
2. Samuel H. Barnes and Max Kaase, et al., *Political Action: Mass Participation in Five Western Democracies* (Beverly Hills, Calif.: Sage Publications, 1979); Russell Dalton, *Citizen Politics in Western Democracies* (Chatham, N. J.: Chatham House, 1988). ch.

○ به ادعای هواداران دموکراسی مشارکتی راه حل مشکل استیلاي نخبگان بر تصمیم‌گیريهای سياسي این است که تصمیم‌گیری را تا سطح جوامع محلی و گروه‌های کوچک تنزل دهیم و آن را از نو به دست مردم بسپاریم.

جدول ۲- مشارکت شهروندان در پنج کشور (بر حسب درصد)

انواع مشارکت				
کشورها				
اتحاد شوروی	ایالات متحده	فرانسه	انگلیس	آلمان (غربی)
تصریح منافع				
۲۷	۳۴	موجود نیست	۲۱	۱۳
دستکم یکبار تماس با مقامات محلی				
دستکم یکبار شرکت در تظاهرات اعتراض آمیز				
۴	۱۲	۲۶	۱۰	۱۴
مسالمت جویانه				
تالیف منافع				
۷۶	۵۴	۷۸	۷۵	۸۵
میانگین شرکت رأی دهندگان در انتخابات رقابتی				
در سطح کل کشور				
۳۱	۴۰	موجود نیست	۱۷	۴۵
دستکم یکبار قانع کردن دیگران به اینکه به چه				
حزب یا نامزدی رأی دهند				
۹	۳۰	موجود نیست	۸	۲۱
دستکم یکبار فعالیت به نفع یک حزب یا یک نامزد				

○ رابرت دال:
 هزینه‌هایی که دموکراسی
 مشارکتی برای فرد
 در بردارد نقش و تأثیر
 مشارکت مستقیم را در
 حکومت دموکراتیک
 محدود می‌سازد.

منابع: تمام آمارهای مربوط به اتحاد شوروی از بررسی آماری که ریموند داچ و جیمز گیبسون با همکاری موسسه جامعه‌شناسی آکادمی علوم اتحاد شوروی در ماه مه ۱۹۹۰ در بخش اروپایی شوروی انجام داده‌اند گرفته شده است. برآورد درصد تماس‌های محلی در دیگر کشورها براساس آمارهای ذکر شده در سه مأخذ زیر صورت گرفته است: Norman H. Nie, Sidney Verba, Henry E. Brady, Kay L. Schlozman, and Jane Junn, "Participation in America: Continuity and Change," Paper presented at the Annual Meeting of the Midwest Political Science Association, Chicago, 1988; George Moser, Geraint Parry, and Neil Day, "Political Participation in Britain," paper presented at the Annual Meeting of the American Political Science Association, Washington, D.C., 1986; M. Kent Jennings, Jan W. van Deth, et al., *Continuities in Political Action*, p.55.

برآورد شرکت در تظاهرات اعتراضی از:

Russell J. Dalton, *Citizen Politics in Western Democracies*, p 65.

تعداد رأی دهندگان از:

G. Bingham Powell, Jr., "American Voter Turnout in Comparative Perspective," p, 38.

برآورد دفعات قانع کردن دیگران و فعالیت حزبی از:

Barnes and Kaase, et al., *Political Action*, pp. 541-542.

۴. ر. ک. به:

G. Bingham Powell, Jr., "American Voter Turnout in Comparative Perspective," *American Political Science Review*, 80 (March 1986), pp. 17-44; and Robert Jackman, "Political Institutions and Voter Turnout in Industrial Democracies," *American Political Science Review*, 81 (June 1987), pp. 405-424.

۵. ر. ک. به:

4; M. Kent Jennings and Jan W. van Deth, et al., *Continuities in Political Action* (New York: Walter de Gruyter, 1990).

3. Gabriel A. Almond and Sidney Verba, *The Civic Culture* (Princeton, N. J.: Princeton University Press, 1963); Sidney Verba, Norman N. Nie and Jae - on Kim, *Participation and Political Equality* (Cambridge: Cambridge University Press, 1978); Barnes and Kaase, et al., *Political Action*.

○ تجربیات اخیر در زمینه مشارکت جوامع محلی و مشارکت کارگران و نمایندگان آنها در تصمیم‌گیریهای بنگاه‌های اقتصادی حکایت از آن دارد که هنوز برای خلاقیت‌های دموکراتیک جای بسیار هست.

timore, Md.: Johns Hopkins University Press, 1981); Harry Eckstein, *A Theory of Stable Democracy* (Princeton, N.J.: Center of International Studies, Princeton University Press, 1961); Almond and Verba, *Civic Culture*.

11. Robert A. Dahi, *After the Revolution*, 2nd ed. (New Haven, Conn.: Yale University Press, 1990).

همچنین، ر.ک. کتاب زیر از همان نویسنده:

Democracy and Its Critics (New Haven, Conn.: Yale University Press, 1989).

۱۲. برای تشریح روش‌های اکثریت سالار و غیر اکثریت سالار، ر.ک. به:

Arendt Lijphart, *Democracies* (New Haven, Conn.: Yale University Press, 1984).

برای ملاحظه برخی شواهد در زمینه مزیت‌های قوانین اساسی و نظام‌های حزبی غیراکثریت سالار از نظر جلوگیری از خشونت و هدایت مشارکت به درون مجاری

سیاسی مشروع در دموکراسی‌ها، ر.ک. به:

G. Bingham Powell, Jr., *Contemporary Democracies* (Cambridge, Mass.: Harvard University Press, 1982), chs. 4, 6, 10.

Verba, Nie, and Kim, *Participation and Political Equality*; Barnes and Kaase, et al., *Political Action*.

۶. افزون بر منابع مذکور در یادداشت‌های قبلی همین فصل، ر.ک. به:

Robert Lane, *Political Life* (Glencoe, Ill.: Free Press, 1959); and Alex Inkeles and David H. Smith, *Becoming Modern* (Cambridge, Mass.: Harvard University Press, 1974).

۷. ر.ک. به:

High Hecllo, Arnold Heidenheimer, and Carolyn Teich Adams, *Comparative Public Policy*, 3rd. ed. (New York: St. Martin's Press, 1990), p. 191.

8. Archie Brown and Jack Gray, *Political Culture and Political Change in Communist States* (New York: Holmes & Meier, 1977), passim.

9. Ronald Inglehart, *Culture Shift in Advanced Industrial Society* (Princeton, NJ: Princeton University Press, 1990).

۱۰. ر.ک. به:

Seymour Martin Lipset, *Political Man* (Bal-

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی